

## اسناد اخبار من بلغ

□ سید میرزا حسین مهدوی \*

### چکیده

تعداد از روایات با مضمون واحد، دلالت دارند بر اینکه اگر در روایتی وعده ثواب بر عملی داده شده باشد و مکلف آن عمل را انجام دهد به ثواب وعده داده شده، می‌رسد، ولو روایت آنگونه که از معصوم علیه السلام نقل شده، نباشد. تعداد این روایات زیاد است. جناب شیخ حرّ عاملی نُه روایت به این مضمون جمع آوری نموده و در وسائل نقل کرده است. گرچه اعتبار مجموع روایات تماماً، به گونه که همه روایات معتبره باشد، قابل اثبات نبوده و اثبات آن امکان ندارد، ولی برخی از روایات این باب، معتبره است. روایت اول که مرحوم حر عاملی علیه السلام از ثواب الاعمال شیخ صدوق (قدس سره) نقل می‌کند، از حیث سندی قابل قبول و معتبره می‌باشد. اگر نگوییم صحیح است می‌توان روایت را حسنه دانست، زیرا، رجال آن، از اجلاء و بزرگان اصحاب است و جمیع روات، توثیق خاصّ دارند غیر از علی بن موسی الکمندانی که از شیوخ کلینی قدس سره و عده‌ی است که شیخ کلینی از ایشان روایت نقل می‌کند، لذا همه از ثقاتند. همچنین روایت چهارم منقول از محاسن برقی، معتبره است مگر از طریق محمد بن خالد برقی اشکال شود که شیخ، او را توثیق نموده است و تضعیف نجاشی صریح نیست بلکه گفته از ضعفا نقل می‌کند، لذا، سید خویی او را ثقّه دانسته است، بنا بر این، روایت چهارم نیز معتبره بوده قابل استناد است. روایت ششم نیز حسنه است بلکه آن روایت از صحاح است، چون ابراهیم بن هاشم، بدون تردید از ثقات است. خلاصه، از میان روایات نُه گانه، در باب اخبار من بلغ، سه روایت؛ اول، چهارم و ششم معتبره است.

واژگان کلیدی: اسناد، اخبار، من بلغ روایات.

---

\* سطح چهار؛ مجتبع عالی فقه، مدرسه تخصصی فقه و اصول.

## مقدمه

روایات و سنت پیغمبر و آل پیغمبر علیهم السلام، بعد از قرآن منبع و مصدر اساسی و اصلی آموزه‌های دینی است. اگر از منظر درون دینی، منابع را واکاوی نماییم، روشن می‌شود؛ که سنت پیغمبر به عنوان منبع، بعد از قرآن کریم، مورد اتفاق همه فرق اسلامی، است. حجیت سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله، مورد قبول کل مسلمانان می‌باشد.

اما اگر بحث درون مذهبی باشد، دایره سنت وسیعتر خواهد شد؛ امامیه علاوه بر سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، قائل به حجیت سنت ائمه علیهم السلام نیز هستند؛ یعنی مؤدای روایات که حاکی از سنت ائمه علیهم السلام می‌باشند مورد اعتماد و قبول است. خوشبختانه در مذهب امامیه، روایات بیشتری در دسترس است. روایات، آموزه‌های دینی را در ابواب مختلف بیان می‌کنند، اعم از؛ عقاید، اخلاق، آداب و سنن و احکام. از جمله اموری که به کثرت در روایات، وارد شده است مستحبات و سنن است، در زمینه‌های مختلف اعمال مستحبی مثل نمازها، دعاها، اذکار، زیارات، زیارتنامه‌ها و... از طرف دیگر، بخشی از روایاتی که در باب مستحبات و سنن، آمده است یا سند ندارند و یا سند معتبر، ندارند. از طرف سوم، حجیت سنت هم، منوط به اثبات سنت است که ناقلین باید مورد وثوق باشند تا حجیت سنت ثابت گردد و بتوان آن سنت را، به معصومین علیهم السلام نسبت داد. با توجه به مطالب گفته شده روایات ابواب مستحبات، نباید مورد اعتماد و اعتبار باشند، چون تعدادی از آنها اصلاً سند ندارند، برخی هم سند معتبر ندارند! لذا، سؤال خواهد شد تکلیف این همه اعمال مستحبی، سنن و آداب که از طریق آن روایات رسیده چیست؟

پاسخ این پرسش و اشکال به وسیله اخبار من بلغ داده می‌شود؛ زیرا، خوشبختانه، در بحث مستحبات؛ دسته‌ای از روایات، حاکی از آن است که هرگاه روایتی از معصومین علیهم السلام نقل شود که متضمن بیان ثوابی بر عملی باشد، و مکلف آن عمل را انجام دهد، به آن ثواب می‌رسد، ولو روایت آنگونه که نقل شده، از معصومین علیهم السلام صادر نشده باشد. از همین روایات علماء قاعده‌ی برداشت نموده‌اند معروف به قاعده، تسامح در ادله سنن. یعنی هر روایتی بیانگر حکم استحبابی باشد ولو سند معتبر نداشته باشد، به صرف ضعف سندی از اعتبار ساقط نمی‌شود، ولو روایت از جهت سندی خللی داشته باشد. دلیل این ادعا ریشه در تعدادی از روایات دارد که به آن روایات، همانگونه

که گفته شد؛ (اخبار من بلغ) گفته می‌شود. تحقیق حاضر، صدد بررسی سند این روایات (اخبار من بلغ) می‌باشد. به بیان دیگر، به دنبال واکاوی اسناد آن روایات از نگاه رجالی است.

### گفتار اول: متن اخبار من بلغ

در علم اصول فقه بحثی داریم تحت عنوان؛ تسامح در ادله سنن، یعنی یک دسته از روایات وجود دارد که معروف است به اخبار من بلغ، اخبار من بلغ اخباری است با این مضمون که اگر در روایات ضعیف منسوب به پیامبر ﷺ وعده پاداش و اجر بر انجام عملی، آمده باشد و کسی آن عمل را به شوق رسیدن به آن پاداش انجام دهد، به ثواب آن عمل می‌رسد، اگر چه در واقع چنین کلامی از رسول خدا ﷺ صادر نشده باشد. مقتضای اخبار من بلغ این است که چنانچه کسی به حدیثی - که در بردارنده ثوابی برای انجام یا ترک عملی است - دست یابد و برای نیل به آن ثواب، به مقتضای حدیث عمل کند، پاداش آن به وی داده می‌شود؛ هر چند حدیث، آن گونه که نقل شده، نباشد.

مؤدا و مفاد اخبار من بلغ هر چه باشد در جای خودش بحث شده و مورد نقد و ابرام قرار گرفته است. اما در نوشتار فعلی، بر آنیم؛ راجع به سند این اخبار بحث و بررسی کنیم، که از حیث رجالی، راویان این روایات ثقه هستند یا خیر؟

در مورد حجیت سنت در میان اصحاب امامیه، دو رویکرد وجود دارد:

یک: موضوع حجیت سنت، وثوق به صدور خبر و سنت است؛ یعنی موثوق الصدور بودن روایت کافی است در حجیت آن.

دو: موضوع حجیت سنت، وثاقت راوی است؛ یعنی روایتی حجیت دارد که از طریق راویان ثقه نقل شده باشد.

بر اساس هر کدام از دو مبنا، بررسی سندی روایات مورد نیاز است، ولو قائل به رأی اول شویم، چون بر اساس رأی اول نیز یکی از راههای وثوق به صدور، وثاقت راوی است.

در خصوص اخبار من بلغ؛ روایاتی در کتب امامیه نقل شده است. مرحوم شیخ حرّ عاملی در باب خاصی این روایات را جمع نموده و نه روایت در این مورد آورده است.

ابتدا روایات را نقل سپس به بررسی سندی اسناد روایات می پردازیم:

١. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيهِ فِي كِتَابِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى (شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ) فَعَمَلَهُ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ (وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمْ يَقُلْهُ).

٢. وَفِي عِيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ وَاسِعِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاءَ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ يردِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَأْتِيهِ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ يَشْرَحُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ قَالَ مَنْ يردِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَأْتِيهِ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ يَشْرَحُ صَدْرَهُ لِلتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الثَّقَةِ بِهِ وَ السُّكُونِ إِلَى مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ.

٣. أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمَلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمْ يَقُلْهُ.

٤. وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَمْ يَقُلْهُ.

٥. وَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ ثَوَابًا فَهُوَ مُنْجَزُهُ لَهُ وَ مَنْ أُوْعِدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي التَّوْحِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ

٧. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ. وَ رَوَاهُ ابْنُ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ الْإِقْبَالِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ الَّذِي هُوَ مِنْ جُمْلَةِ الْأُصُولِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام مِثْلَهُ

٨. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ

عَمْرَانَ الزَّعْفَرَانِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابُ أَوْتِيَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ.

۹. أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي قَالَ رَوَى الصَّدُوقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بِطَرَفِهِ إِلَى الْأَثَمَةِ عليه السلام أَنَّ مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا بَلَغَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا نُقِلَ إِلَيْهِ.

۱۰. عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ الْإِقْبَالِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ [أَجْرًا] ذَلِكَ وَإِنْ (لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا بَلَغَهُ). (حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۸۰-۸۲ بَابُ اسْتِحْبَابِ الْإِثْبَانِ بِكُلِّ عَمَلٍ مَشْرُوعٍ رُوِيَ لَهُ ثَوَابٌ عَنْهُمْ عليهم السلام من ابواب مقدمة العبادات.)

## گفتار دوم: بررسی رجالی اسناد

### اسناد روایت اول

این روایت را مرحوم شیخ حرّ عاملی، از ثواب الاعمال شیخ صدوق ره نقل می کند

۱. اولین راوی در این سند خود شیخ صدوق رحمته الله است، یعنی محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق. او این روایت را در کتاب ثواب الاعمال نقل نموده است. (محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۸.)

شیخ صدوق از اجلای علمای امامیه است که در علم، فقاہت، جلال، وثاقت و کثرت تألیفات کم نظیر است. دارای کتابهای حدیثی زیادی است، از جمله؛ من لایحضره الفقیه که یکی از کتب اربعه امامیه است، کتاب النخصال، عیون اخبار الرضا علیه السلام، کمال الدین و تمام النعمة، علل الشرایع، معانی الاخبار، کتاب التوحید، امالی و... از جمله کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

مرحوم شیخ طوسی در الفهرست او را چنین توصیف می کند؛ «محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمّی، یکنّی أبا جعفر.

كان جليلا، حافظا للأحاديث، بصيرا بالرجال، ناقدا للأخبار، لم ير في القميين مثله، في

حفظه و کثرت علمه. له نحو من ثلاثمائة مصنف، و فهرست کتبه معروف» (محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۴۴۲-۴۴۳) محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، کنیه اش ابو جعفر. شیخ جلیل و حافظ احادیث بود، او نسبت به (علم) رجال دانا، ناقد روایات بود در میان قمی ها در حفظ (روایات) و علم و دانش فراوان، مثلش دیده نشده است. او نزدیک به سه صد اثر دارد که تألیف نموده است.

مرحوم علامه گوید:

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، ابوجعفر، شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان. ... کان جلیلا حافظا للاحادیث، بصیرا بالرجال، ... له نحو من ثلاثمئة مصنف. (علامه حلی، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ۲۴۸)

خلاصه در ثقه بودن مرحوم شیخ صدوق جای تردید وجود ندارد، بلکه فوق ثقه است. ۲. علی بن الحسین بن موسی بن بابویه؛ او پدر شیخ صدوق او نیز به تصریح شیخ در الفهرست جزء ثقات و دارای کتابهای متعددی است (ر.ک: محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۲۷۳) ۳. علی بن موسی؛ او علی بن موسی الکنندانی است که از شیوخ اجازه بوده (ر.ک: محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۸) و از مشایخ شیخ صدوق رضی الله عنه. (ر.ک: سید ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳؛ ص ۲۰۲) او یکی از عده‌ی است که شیخ کلینی محمد بن یعقوب از ایشان روایت نقل می‌کند. (ر.ک: سید ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث؛ ج ۱۳؛ ص ۲۰۵) مرحوم علامه حلی رحمته الله در مورد عده‌ی که شیخ کلینی در کافی از ایشان روایت نقل می‌کند چنین می‌نویسد:

قال الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني في كتابه الكافي في أخبار كثيرة عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى قال والمراد بقولي عدة من أصحابنا محمد بن يحيى و علي بن موسى الکنندانی و داود بن كورة و أحمد بن إدريس و علي بن إبراهيم بن هاشم و قال كلما ذكرته في كتابي المشار إليه عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي فهم علي بن إبراهيم و علي بن محمد بن عبد الله بن أذينة و أحمد بن عبد الله بن أمية و علي بن الحسن.

قال: و كلما ذكرته في كتابي المشار إليه عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد فهم علي بن محمد بن علان و محمد بن أبي عبد الله و محمد بن الحسن و محمد بن عقيل الكليني. » (علامه حلی، خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، ص ۴۳۰) مرحوم شیخ کلینی در کتاب کافی در (سند) روایات زیادی چنین فرموده: عدة من اصحابنا؛ مرادش از عده از اصحاب، هرگاه عده از اصحاب، از احمد بن محمد بن عیسی باشد افراد زیر خواهد بود؛ محمد بن یحیی، علی بن موسی کمندانی، داود بن کوره، احمد بن ادریس و علی بن ابراهیم بن هاشم. هرگاه عده از اصحاب از احمد بن محمد خالد برقی باشد، افراد زیر است؛ علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه، احمد بن عبد الله بن امیه و علی بن حسن. هر وقت عده از اصحاب از سهل بن زیاد باشد، مراد افراد زیر است؛ علی بن محمد بن علان، محمد بن ابی عبد الله، محمد بن حسن و محمد بن عقیل کلینی.

۴. احمد بن محمد: با این عنوان در طریق روایات زیادی واقع شده است. اما ظاهراً در این سند، مراد احمد بن محمد بن خالد برقی باشد، زیرا در محاسن برقی این روایت با مختصر تفاوت در تعبیر، نقل شده است (ر.ک: احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ص ۲۵) که صاحب وسائل آن روایت را از محاسن نقل نموده و روایت سوم این مجموعه است. به هر حال، برقی به بیان نجاشی ثقة است فی نفسه ولی از ضعفاً روایت می کند. (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۷۶)

۵. علی بن حکم: در طریق روایات فراوانی قرار گرفته سید خوبی (قدس سره) گوید: عنوان علی بن حکم در طریق هزار و چهار صد و شصت و دو مورد، واقع شده است. (ر.ک: سید ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱۱، ص ۳۸۱) در تفسیر قمی در موارد مختلفی از او روایت نموده است، از جمله ذیل آیه ۱۴۱ سوره مبارکه انعام، آیه ۱۲۴ از سوره مبارکه طه و... (ر.ک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ۲۱۸، ج ۲، ص ۶۵، و ص ۶۹ و ص ۱۱۶) که موجب اثبات توثیق عام می شود

۶. هشام: مراد از هشام، ممکن است هشام بن الحکم ابو محمد مولی کنده باشد، از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده، نجاشی گوید: «و كان ثقة في الروایات، حسن التحقيق بهذا الأمر.» (رجال نجاشی، ص ۳۴۳) خلاصه او جزء ثقات است. (ر.ک: علامه حلی، خلاصة

الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۸۸) یا ممکن است هشام بن سالم جوالقی باشد که او نیز از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده است و به تصریح نجاشی ثقة است (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۴۳) چنانچه (ان شاء الله) در روایت سوم خواهد آمد؛ ابو جعفر خالد برقی در محاسن از پدرش علی بن حکم از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می کند (احمد محمد بن خالد برقی، المحاسن، ۲۵) این ممکن است قرینه باشد که مراد از هشام، همان هشام بن سالم است.

۷. صفوان: او نیز مشترک است بین صفوان بن یحیی ابو محمد البجلی بیاع السابری، کوفی، ثقة ثقة، عین (رجال نجاشی، ص ۱۹۷) و «صفوان بن مهران بن المغیره الأسدی مولا هم ثم مولی بنی کاهل منهم، کوفی، ثقة» (رجال نجاشی، ص ۱۹۸) یعنی هم صفوان بن یحیی بجلی ثقة است و هم صفوان بن مهران، هر دو جزء ثقات هستند.

با توجه به سند روایت، می توان روایت را حسنه دانست. چه اینکه در سند روایت جمیع روات توثیق خاص دارند غیر از علی بن موسی الکمندانی که از شیوخ کلینی و عده ای است که شیخ کلینی از ایشان روایت نقل می کند. اینکه برقی از ضعف روایت کند در این روایت ضرر ندارد چون راویان بعد از برقی، شناخته شده و مورد وثوق است

## اسناد روایت دوم

این روایت را شیخ صدوق رحمته الله در عیون اخبار الرضا علیه السلام به سند زیر نقل نموده است (ر.ک: شیخ صدوق عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۳۱) که شیخ حرّ عاملی از عیون نقل نموده.

۱. عبدالواحد بن محمد بن عبدوس: عبد الواحد بن محمد بن عبدوس. النیسابوری العطار: از مشایخ صدوق است، که شیخ در مشیخة بر او ترضی نموده است (ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث؛ ج ۱۲؛ ص ۴۰) برخی از علما ترضی و ترحم یکی از اعلام را، توثیق راوی شمرده اند، که لا اقل طلب رحمت برای راوی به صورت خاص دلیل بر مدح روای خواهد بود. (سید کاظم مصطفوی، کلیات و مبانی علم رجال، ص ۹۴-۹۵) اگر چنین مبنایی را بپذیریم، عبد الواحد توثیق خواهد شد. ولی عده دیگر از صاحب نظران این مبنا را مردود دانسته است. (ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث؛ ج ۱؛ ص ۷۴) ولی بعید نیست ترضی و ترحم مشایخ اگر به صورت مکرر باشد موجب توثیق باشد.

۲. علی بن محمد بن قتیبة: نجاشی گوید؛ أبو عمرو کشی در کتاب رجال بر او اعتماد نموده است (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۲۵۹) سید خویی قدس سره در مورد او گوید: در اعتبار علی بن محمد قطیبی و عدم اعتبار او اختلاف است، قولی قائل به اعتبار شده و بر اعتبارش به ادله زیر استدلال نموده؛ ۱. کشی بر او اعتماد نموده چون به وفور از او روایت نقل نموده است. ۲. علامه، حکم به صحت روایت او کرده. ۳. شیخ طوسی بر او حکم به فاضل بودن نموده است. در نهایت ایشان وجوه مذکوره را مردود دانسته علی بن محمد بن قطیبه را غیر موثق می‌شمارد. (ر.ک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۳، ص ۱۷۱-۱۷۲) هر چند سید خوئی رحمته الله وجوه مذکوره برای اثبات وثاقت کافی نمی‌داند ولی می‌شود گفت؛ خالی از توثیق نیست.

۲. حمدان بن سلیمان: نجاشی او را ثقه و از وجوه اصحاب دانسته است (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۳۸)

### اسناد روایت سوم

چنانچه در روایت اول اشاره شد، سند این دو روایت (روایت اول و سوم) یکی است، با تفاوت کمی که در روایت اول هشام از صفوان، صفوان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، در روایت سوم، هشام از امام صادق علیه السلام. در روایت سوم عبارات روایت نیز تفاوت دارد با روایت اولی (ر.ک: احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ص ۲۵) ولی این تفاوتها موجب اختلاف در نتیجه رجالی نمی‌شود، نهایت گفته می‌شود؛ دو روایت با یک سند نقل شده است. چنانچه گذشت؛ هر یک از برقی، علی بن الحکم و هشام بن سالم جزء ثقات هستند. علی بن حکم گرچه توثیق خاص ندارد ولی توثیق عام دارد، پس این روایت نیز معتبره خواهد بود.

### اسناد روایت چهارم

۱. (محمد بن خالد برقی) این روایت را نیز شیخ حرّ عاملی از محاسن برقی نقل می‌کند؛ برقی بنفسه ثقه است (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۷۶). (آیبه)؛ مراد از ایبه پدر برقی است یعنی محمد بن خالد برقی، سید خویی قدس سره از شیخ طوسی توثیق او را نقل کرده و از نجاشی تضعیف، در ادامه قول شیخ را ترجیح داده چون می‌گوید؛ نجاشی او را تضعیف نکرده بلکه فقط گفته:

او از ضعفاً روایت نقل می‌کند از این تعبیر تضعیف دانسته نمی‌شود (ر.ک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۷۲-۷۴)

۲. أحمد بن النضر: نجاشی او را ثقه دانسته برایش کتاب ذکر می‌کند (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۹۸)  
۳. محمد بن مروان: او علی الظاهر توثیق خاص ندارد ولی توثیق عام دارد، در اسناد روایت تفسیر قمی قرار گرفته، علی بن ابراهیم ذیل آیه شریفه «الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ» (ق/۲۴) روایتی از حضرت امیر المؤمنین عليه السلام نقل می‌کند، محمد بن مروان نیز در سند آن روایت آمده. (ر.ک: علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۴)

این روایت را نیز می‌توان معتبره معرفی کرد چون برخی از روایات توثیق خاص دارند برخی توثیق عام

### اسناد روایت پنجم

این روایت را نیز شیخ حرّ عاملی از محاسن برقی نقل می‌کند. (ر.ک: احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ص ۲۴۶)

۱. علی بن محمد القاسانی: سید خویی رحمته الله در مورد او از نجاشی نقل می‌کند که؛ او فقیه، فاضل و حدیث زیاد نقل نموده است، ولی احمد بن محمد بن عیسی از او چشم پوشی نموده (یعنی به حدیث او اعتنا نمی‌کند)... تا آنجا که از شیخ طوسی قدس سره تضعیف او را نقل کرده است، یعنی شیخ او را تضعیف نموده است. (ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۵۹-۱۶۰) در مقام داوری بین سخن نجاشی و تضعیف شیخ، تضعیف شیخ مقدم است چرا که نجاشی علی بن محمد قاسانی را توثیق نکرده تا بین توثیق او و تضعیف شیخ تعارض پیش بیاید، بلکه نجاشی مدح نموده است و مدح توان معارضه با تضعیف را ندارد، علاوه بر این شاید بتوان گفت: کلام نجاشی ظهور بر مدح نیز نداشته باشد زیرا او از احمد بن محمد بن عیسی نقل نمود که از حدیث قاسانی چشم پوشی نموده است (والله اعلم)

۲. عن ذکرة: این روایت جزء مراسیل محسوب می‌شود. چون اگر همه راویان حدیث، یا یکی از آنها، از سلسله سند روایت حذف شود، اصطلاح مرسل بر حدیث اطلاق می‌گردد (شهید ثانی، الدرایة، ص ۴۷).

۳. عبد الله بن القاسم الجعفری: شیخ او را از اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته است. (ر.ک: رجال الطوسی؛ ص ۲۲۹) در فائق المقال می نویسد؛ «عبد الله بن القاسم: المشترك بین جماعة لا حظ لهم فی التوثیق» (احمد بن عبد الرضا بصری، فائق المقال فی الحدیث و الرجال؛ ص ۳۰۱) عبد الله بن قاسم مشترک است بین تعدادی (از رواة) که هیچ کدام بهره‌ی از توثیق ندارند. به هر حال، عبد الله بن القاسم، توثیق خاص ندارد، اما در تفسیر قمی، از عبد الله بن القاسم ذیل آیه ۸۰ از سوره مبارکه هود به این صورت روایت نموده است: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ [مُسْلِمٍ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَالِحٍ ..» (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ۳۳۵) که اگر عبد الله بن القاسم جعفری باشد توثیق عام ثابت خواهد شد.

### اسناد روایت ششم

صاحب وسائل این روایت را از کافی ثقة الاسلام شیخ کلینی (قدس سره) نقل می کند، که شیخ کلینی روایت را از شیوخ و بزرگان امامیه نقل نموده است (ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۴ کتاب الایمان و الکفر، باب من بلغه ثواب من الله علی عمل، ح ۱)

۱. محمد بن یعقوب (کلینی): نجاشی گوید: «محمد بن یعقوب بن إسحاق أبو جعفر الكلینی ... شیخ أصحابنا فی وقته بالری و وجههم، و كان أوثق الناس فی الحدیث، و أثبتهم. صنف الكتاب الكبير المعروف بالکلینی یسمى الکافی، فی عشرين سنة» (رجال النجاشی؛ ص ۳۷۷) خلاصه، شیخ کلینی علیه السلام در میان علماء شیعه مانند ماه درخشندگی دارد که در نیمه ماه باشد و در وسط سماء از هر طرف قابل مشاهده است. گویا به تعبیر آیت الله محسنی رحمته الله شیخ کلینی بدلیل شهرت (وعظمت علمی) و آشنای عامه مردم با او، بی نیاز از تعریف و معرفی کردن است. (ر.ک: محمد آصف محسنی، بحوث فی علم الرجال، ص ۲۷۰)

۲. علی بن ابراهیم: در ثقة بودن او شکی نیست و او از بزرگان و اجلاء اصحاب است چنانچه نجاشی راجع به او، فرموده: «علی بن ابراهیم بن هاشم أبو الحسن القمی، ثقة فی الحدیث ثبت معتمد صحیح المذهب سمع فأكثر (و أكثر) و صنف کتابا و أضر فی وسط عمره. و له کتاب التفسیر کتاب الناسخ و...» (رجال نجاشی، ص ۲۶۰) علی بن ابراهیم بن هاشم قمی

ثقه در حدیث مورد اعتماد و ثبت است، دارای مذهب صحیح که (حدیث) زیاد شنیده و کتابهایی تألیف نموده است...

سید خوئی گوید: او بیش از هفت هزار حدیث نقل کرده است (ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۲؛ ص ۲۱۳)

۳. (عَنْ أَبِيهِ) یعنی ابراهیم بن هاشم، او را رجالیونی چون، نجاشی، شیخ، ابن داود و علامه مدح کرده‌اند اما نصی بر توثیقش ندارند (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۶، فهرست شیخ طوسی، ص ۱۱، رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۳، رجال ابن داود، ج ۱، ص ۲۰ و خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۴۹) بنا بر قول سید خوئی رحمته الله روایاتی که فقط علی بن ابراهیم یعنی پسر از پدر نقل کرده است ۶۲۱۴ روایت می‌شود. (ر.ک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۱۳) به هر حال، سید گوید: در ثقه بودن ابراهیم بن هاشم شک نباید کرد و بر اثبات ادعای خود به قرائن گوناگون، تمسک کرده است. (ر.ک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۹۱) و انصاف هم این است که وی بدون تردید از ثقات و بزرگانی علمای شیعه است و دلیل این ادعا، کثرت روایاتی است که او نقل نموده است، چنانچه اشاره شد همچنین اعتماد علماء و بزرگان امامیه بر او شاهد این مدعا است.

۴. ابن ابی عمیر: او محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ابو أحمد الأزدی. (رجال نجاشی، ص ۳۲۶) از اصحاب اجماع که کشی در ذکر اسامی فقها از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام، او را جزء اصحاب آن دو امام علیهما السلام شمرده گوید

أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم و أقرؤا لهم بالفقه و العلم:  
و هم ستة نفر ... منهم یونس بن عبد الرحمن، و صفوان بن یحیی بیاع السابری، و محمد بن ابی عمیر، و عبد الله بن المغیره، و الحسن بن محبوب، و أحمد بن محمد بن ابی نصر» (محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال؛ ج ۲؛ ص ۸۳۰)

شیخ طوسی رحمته الله او را از اوثق مردم می‌داند «و کان من أوثق الناس عند الخاصّة و العامّة، و أنسکهم نسکا، و أروعهم، و أعبدهم.» (محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۴۰۴)  
ابن ابی عمیر از ثقه ترین مردم در نزد خاصه و عامه بود، ناسک و متعبدترین و پرهیزگارترین و عابدترین مردم.

۵. هشام بن سالم: هشام بن سالم جوالقی که از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده

است. در طریق روایت اول و سوم، قرار داشت و بررسی شد که به تصریح نجاشی جزء ثقات است. (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۴۳)

خلاصه، با توجه به راویان روایت ششم، که از اجلاء و اعلام امامیه و همه دارای توثیق خاص هستند جز ابراهیم بن هاشم که گرچه توثیق خاص ندارد، ولی توثیق عام دارد چون در طریق تفسیر قمی قرار دارد، مدح نیز دارد که گذشت، به هر حال به تعبیر سید خویی رحمته الله در توثیق او جای هیچ تردید و شکی وجود ندارد. سید بن طاوس ادعای اتفاق کرده بر توثیق او. این روایت صحیح است.

### اسناد روایت هفتم

این روایت را نیز شیخ حرّ عاملی از اصول کافی با اسناد زیر نقل می‌کند. (ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴ کتاب الایمان و الکفر، باب من بلغه ثواب من الله علی عمل، ح ۲)

۱. محمد بن یحیی: مرحوم شیخ طوسی و برقی فقط به ذکر اسم او اکتفا کردند. (ر.ک: رجال طوسی، ص ۳۹۱ و رجال برقی، ص ۱۹). و مرحوم سید خوئی ره می‌فرماید؛ این عنوان در اسناد روایات زیادی قرار گرفته است که متجاوز بر پنج هزار روایت نقل نموده است. (ر.ک: ابو القاسم خویی، معجم بالحديث و طبقات الرواة، ج ۱۹، ص ۹) عرض می‌شود؛ اگر مراد از محمد بن یحیی، محمد بن یحیی العطار باشد، که شیخ کلینی از او فراوان روایت نقل نموده و از شیوخ کلینی است. ایشان بدون تردید ثقه است، نجاشی می‌گوید؛ محمد بن یحیی (ابو جعفر) العطار (القمی) شیخ اصحاب ما بود در زمان خودش، ثقة عین کثیر الحدیث. (رجال النجاشی، ص ۳۵۳)

۲. محمد بن الحسین: سید خویی (قدس سره) صفحات زیادی موارد وقوع او در طریق روایات را، بررسی می‌کند، ولی نه از موثقین چون نجاشی یا کشی یا شیخ و... بر توثیق او نقلی می‌آورد و نه خود ایشان او را توثیق می‌کند. (ر.ک: ابو القاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۴۰-۴۳۲) اما در کامل الزیارات مواردی با عنوان محمد بن الحسین آمده (ر.ک: جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۷۸)، که اگر مراد محمد بن الحسین راوی کافی (یعنی راوی محل بحث) باشد، توثیق عام ثابت می‌شود، در غیر این صورت مجهول خواهد بود.

۳. محمد بن سنان: شیخ طوسی (قدس سره) او را، از اصحاب امام رضا علیه السلام دانسته. (ر.ک: محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ۳۷۷) او به تصریح نجاشی ضعیف است و به روایت او اعتنا نمی‌شود. (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۲۷) در عین حال، به کثرت، در اسناد کامل الزیارات. (ر.ک: جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۸ (باب ۱۰ ح ۲)، ص ۵۵ (باب ۱۶ ح ۱) ص ۳۲۱ (باب ۱۰ ح ۸) و...) قرار گرفته که موجب توثیق عام می‌شود، ولی در برابر تضعیف نجاشی توثیق عام توان قیام ندارد. سید خویی (قدس سره) در معجم در باره محمد بن سنان مفصل بحث نموده، او می‌فرماید: متحصّل از روایات، این است که محمد بن سنان ممدوح است، او از موالیان اهل بیت علیهم السلام بوده و اگر چیزی از مخالفت در او پیدا شود، زائل شده و معصوم علیه السلام از او راضی شده است. اگر نبود تضعیف ابن عقده، نجاشی، ابن غضائری، شیخ و شیخ مفید، عمل به روایت او تعیین پیدا می‌کرد. (ر.ک: ابو القاسم خویی، معجم بالحديث و طبقات الرواة، ج ۱۷، ص ۱۶۹)

۴. عمران الزعفرانی: شیخ در رجال عمران بن إسحاق زعفرانی کوفی را از اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته (محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی؛ ص ۲۵۷)، در استبصار در کتاب الصیام باب ذکر جمل من الاخبار يتعلق بها اصحاب العدد، ذیل روایت دوم، بعد از نقل دو روایت، که در طریق هر دو روایت، عمران زعفرانی، قرار دارد، گوید: او مجهول است. (محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، ص ۲۴۸) تقی الدین حلی نیز گوید: عمران زعفرانی مجهول است. (تقی الدین حلی، الرجال؛ الرجال الحلی ق ۲؛ ص ۴۸۷)

۵. محمد بن مروان: او توثیق خاصّ ندارد گرچه روایت زیاد نقل کرده است، ولی موثّقین توثیق نکرده‌اند اما توثیق عام دارد، علی بن ابراهیم رضی الله عنه در تفسیر از او روایت کرده است (ر.ک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۴)

### اسناد روایت هشتم

این روایت را شیخ حرّ عاملی ره از کتاب عدة الداعی نوشته ابن فهد حلی نقل می‌کند. (ر.ک: احمد بن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۲) گرچه روایت را جناب ابن فهد حلی بدون سند آورده فقط به منبع خود که ظاهراً از یکی از کتابهای شیخ صدوق اخذ کرده و شیخ صدوق از شیخ کلینی نقل نموده بسنده می‌کند، لذا، راهی برای اثبات اعتبار این روایت وجود ندارد، جز اینکه از طریق

سند شیخ صدوق یا منبع اصلی، که شیخ کلینی است به رجال روایت دسترسی پیدا کنیم. اما جناب ابن فهد حلّی رحمته الله که یکی از علمای امامیه است، و دارای تألیفاتی می باشد از جمله کتاب، عدّة الداعی، که مورد نظر و توجه، علماء قرار گرفته است. او، ابن فهد حلّی: جمال الدین احمد بن شمس الدین محمد بن فهد حلّی رحمته الله (۷۵۷-۸۴۱ق)، از فقیهان و محدّثان امامی که شهرت او بیشتر در اخلاق، دعا و سیر و سلوک است. اثر مشهور او در این زمینه، کتاب عدّة الداعی و نجاح الساعی است که به دعا و آداب و مسائل مربوط به آن، می پردازد او از شاگردان شهید اول و فخر المحقّقین به شمار می رود (مهدی مهریزی، میراث حدیث شیعه؛ ج ۱۵؛ ص ۲۵۱). در منتهی المقال، از امل الآمل در مورد ابن فهد می نویسد؛ شیخ جمال الدین احمد بن فهد حلّی، عالم فاضل ثقة صالح زاهد عابد، ورع، جلیل القدر. دارای کتابهایی است، از جمله؛ المهذب شرح المختصر النافع، و عدّة الداعی، و المقتصر، و الموجز، و شرح الألفية للشهید، و المحرّر، و التحصین، و الدرّ الفرید فی التوحید. (محد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی المقال فی أحوال الرجال؛ ج ۱؛ ص ۳۰۳)

### اسناد روایت نهم

روایت نهم را جناب حرّ عاملی رحمته الله از اقبال الاعمال سید بن طاوس نقل می کند. روایت چون مرسله است از حیث بررسی سندی سالبه به انتفاء موضوع می باشد. سید بن طاوس روایت را به صورت مرسل، از امام صادق رحمته الله، نقل می کند. لذا، بررسی سندی ممکن نیست.

### نتیجه

از مجموع روایات گذشته، سه روایت؛ اول، چهارم و ششم معتبره است. بقیه روایات از جهت سندی ضعیف است، چون، بعضی از آنها مرسل است، بعضی دیگر گرچه دارای سند است ولی سند، ضعیف است. با این حال، حتی روایاتی که از حیث سند قابل اثبات نباشد و از این جهت، معتبره محسوب نشود، باز هم خالی از فائده نیست چون لا اقل، این دسته از روایات، مؤید و شاهد صدق روایات معتبره، خواهد بود و از طرف دیگر، شاید محققین، با تحقیقات جدید، به اثبات اعتبار آن روایات نیز، دسترسی پیدا کنند.

## کتابنامه

### قرآن

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: سید مهدی حسینی لاجوردی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌تا
- \_\_\_\_\_، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقیق و تصحیح: احمد ماحوزی، فاروس، قم، چاپ: اول، ۱۳۹۳ ه.ش
- ابن فهد حلی، احمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: احمد موحدی قمی، دار الکتاب الاسلامی، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ه.ق
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: عبد الحسین امینی، مطبعة الحیدریة، نجف، بی‌جا، ۱۳۵۶ ه.ق
- بصری، احمد بن عبد الرضا، فائق المقال فی الحدیث و الرجال، ۱ جلد، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ ه.ق.
- تقی الدین حلی، حسن بن علی، الرجال، ۱ جلد، دانشگاه تهران، چاپ: ۱، ۱۳۴۲ ه.ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ۲۴ جلد، [بی‌نا] - [بی‌جا]، چاپ: ۵، ۱۴۱۳ ه.ق
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی، الدراية، مكتبة المفید، قم، بی‌جا، بی‌تا
- طوسی، محمد بن حسن، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، ۱ جلد، مكتبة المحقق الطباطبائي - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۲۰ ه.ق.
- \_\_\_\_\_، رجال الطوسی (جامعه مدرسين)، ۱ جلد، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی - ایران - قم، چاپ: سوم، ۱۳۷۳ ه.ش
- \_\_\_\_\_، الاستبصار، قم، انتشارت نور و حی (احیاء الكتب الاسلامیة)، چاپ: اول، ۱۴۲۸ ه.ق
- علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر الفقاهة، چاپ: پنجم، ۱۴۳۵ ه.ق
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ه.ق

- كشى، محمد بن عمر، اختيار معرفة الرجال، ٢ جلد، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث - إيران - قم، چاپ: ١، ١٤٠٤ ه.ق.
- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، سه جلد، (احياء الكتب الاسلاميه) انتشارات نور وحى، چاپ: اول، ١٤٢٨ ه.ق
- \_\_\_\_\_ الكافى. فارسى عربى. اصول، اصول كافى، ترجمه: محمد باقر كمره‌اى، انتشارات اسوه، تهران، چاپ: نهم، ١٣٨٦ ه.ش
- مازندرانى حائرى، محمد بن اسماعيل، منتهى المقال فى أحوال الرجال، ٧ جلد، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث - إيران - قم، چاپ: ١، ١٤١٦ ه.ق.
- محسنى، محمد آصف، بحوث فى علم الرجال، مركز المصطفى العالمى للترجمة والنشر، قكم، چاپ: پنجم، ١٤٣٢ ه.ق
- مصطفوى، سيد كاظم، تقريرات درس خارج رجال استاد آيت الله سيد كاظم مصطفوى، عزيز الله فهيمى، محمد سلطانيه، بين الحرمين، قم، چاپ: اول، ١٣٩٢ ه.ق
- مهريزى، مهدى، ميراث حديث شيعه، ٢١ جلد، موسسه علمى فرهنگى دار الحديث، سازمان چاپ و نشر - إيران - قم، چاپ: ١، ١٣٨٠ ه.ش.
- نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، ١ جلد، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامى - إيران - قم، چاپ: ٦، ١٣٦٥ ه.ش.

